

بررسی حقوقی وضعیت مهریه با فرض تعهد شخص ثالث

نویسنده: حجت الاسلام دکتر میثم تارم^{۱ ۲}

چکیده

این مقاله به بررسی حقوقی وضعیت مهریه با فرض تعهد شخص ثالث پرداخته و به تحلیل ابعاد مختلف تعهد شخص ثالث در زمینه مهریه می‌پردازد. تحلیل در این مقاله به چندین جنبه مختلف تعهد شخص ثالث، از جمله تعهد با شرط ضمن عقد، تعهد به صورت مستقل، و آثار آن در شرایط مختلف پرداخته شده است. در صورت وجود شرط ضمن عقد، تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه به طور معمول به شکل توافقی و مطابق با شرایط معین در قرارداد، به انجام می‌رسد. در این حالت، شخص ثالث به عنوان ضامن یا متعهد برای پرداخت مهریه مشخص شده و باید به تعهدات خود عمل کند. این نوع تعهد به ویژه زمانی کاربرد دارد که زوج یا زوجه قصد دارند مسئولیت مالی مهریه را به شخص ثالث منتقل کنند. همچنین تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه می‌تواند به طور مستقل و خارج از چارچوب عقد نکاح، از طریق قرارداد ضمانت یا حواله صورت گیرد. در این حالت، شخص ثالث با انعقاد قراردادی مجزا، مسئولیت پرداخت مهریه را به عهده می‌گیرد. این نوع تعهد به ویژه در صورتی که زوج به طور مستقیم به پرداخت مهریه نپردازد، می‌تواند به کار گرفته شود. این مقاله با بررسی ابعاد مختلف تعهد شخص ثالث و آثار آن بر وضعیت مهریه که شامل قبل و بعد عقد و همچنین بعد از انحلال عقد که در اثر طلاق یا فوت یا فسخ و بطلان به وقوع می‌پیوندد، در شرایط مختلف، به تحلیل دقیق‌تری از وضعیت حقوقی مهریه در رویه قضایی پرداخته و نقشه‌راهی برای حل اختلافات مرتبط با تعهدات مالی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی

حقوق، مهریه، تعهد ثالث

^۲ عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

مهریه به عنوان یکی از ارکان کلیدی و حیاتی عقد ازدواج در نظام حقوقی و فقهی ایران، نقش تعیین کننده‌ای در تنظیم روابط مالی و تعهدات زوجین ایفا می‌کند. این مفهوم، که به‌طور سنتی به عنوان مالی که زوج به عنوان حق زوجه تعیین و پرداخت می‌کند، به رسمیت شناخته می‌شود، نه تنها مبنای قانونی و شرعی برای تأمین حقوق مالی زن در طول زندگی مشترک است، بلکه به‌طور گسترده‌ای به عنوان یکی از ابزارهای حفاظت از امنیت مالی زن در صورت بروز مشکلات یا انحلال رابطه زناشویی شناخته می‌شود.

مهریه، به معنای مالی است که در زمان عقد نکاح به‌عنوان تعهد مالی از سوی زوج برای زوجه مشخص می‌شود و پرداخت آن به‌عنوان یکی از حقوق قانونی زوجه محسوب می‌شود. این مالی که به صورت نقدی یا غیر نقدی (مانند اموال منقول یا غیر منقول) می‌تواند تعیین گردد، نه تنها یک الزام حقوقی برای زوج ایجاد می‌کند، بلکه به نوعی به‌عنوان ضمانتی برای حمایت از حقوق مالی زوجه در طول زندگی مشترک و در صورت بروز اختلافات یا انحلال عقد نیز عمل می‌کند.

با این حال، در دنیای واقعی و به‌ویژه در حوزه حقوقی، مسائل پیچیده‌ای در خصوص مهریه مطرح می‌شود که نیازمند تحلیل دقیق و بررسی‌های حقوقی جامع است. یکی از این مسائل، وضعیت مهریه با فرض مال غیر یا تعهد شخص ثالث است. به عبارت دیگر، ممکن است شرایطی پیش آید که مهریه به وسیله مالی پرداخت شود که متعلق به شخصی غیر از زوج است یا تعهد پرداخت مهریه به عهده شخص ثالثی گذاشته شده باشد. این وضعیت می‌تواند چالش‌های حقوقی و عملی متعددی را به همراه داشته باشد که در رویه قضایی نیز به‌طور گسترده‌ای بررسی شده است.

مسائل حقوقی مرتبط با مهریه در شرایطی که مالی که به عنوان مهریه تعیین شده، متعلق به شخص دیگری غیر از زوج است، یا زمانی که تعهد پرداخت مهریه بر عهده شخص ثالثی قرار می‌گیرد، از جنبه‌های مختلف حقوقی و عملی حائز اهمیت است. این مشکلات ممکن است به تأثیرات قابل توجهی بر حقوق زوجه، اعتبار تعهدات مالی و نحوه اجرای این تعهدات در رویه قضایی منجر شود. به همین دلیل، تحلیل دقیق و همه‌جانبه وضعیت مهریه با فرض مال غیر یا

تعهد شخص ثالث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیازمند بررسی‌های عمیق و دقیق حقوقی برای درک بهتر و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه می‌باشد.

۱- مهریه

اعتبار تعیین مهریه از طریق مال غیر یا تعهد شخص ثالث، می‌تواند از متون قانونی استخراج شود. ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی، به صورت ضمنی ادای مهریه را تجویز کرده است. براساس این ماده، تعهد به پرداخت مهریه نه تنها توسط زوج، بلکه می‌تواند توسط شخص ثالث نیز به اجرا درآید. این موضوع مستلزم آن است که شخص ثالث بتواند مهریه را به نحو کلی بر عهده بگیرد و آن را پرداخت کند. بنابراین، از منظر قانونی، هیچ منعی وجود ندارد که شخص ثالث به جای زوج، مالی را به عنوان مهریه تعیین و پرداخت کند.

این نکته بر اساس اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی در حقوق مدنی تبیین می‌شود. اصل حاکمیت اراده به این معنا است که افراد می‌توانند در حدود قانون، آزادانه قراردادهایی را منعقد کنند و تعهداتی را بپذیرند. در نتیجه، قراردادی که در آن شخص ثالث تعهد به پرداخت مهریه می‌کند، با اصول حقوقی سازگار است و باید صحیح و نافذ تلقی شود.

تحلیل حقوقی ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی

ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی، به طور خاص به تعهدات مالی ناشی از عقد نکاح اشاره دارد و به زوجین این امکان را می‌دهد که مهریه را به عنوان یکی از تعهدات مالی عقد نکاح تعیین کنند. اما این ماده به صورت مستقیم به امکان تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه اشاره نمی‌کند. با این حال، از تفسیر موسع این ماده و اصول کلی حقوقی می‌توان به این نتیجه رسید که تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه نیز می‌تواند معتبر باشد.

اصول حقوقی مرتبط

اصل حاکمیت اراده: این اصل به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد تا در چارچوب قوانین و مقررات، مفاد قرارداد خود را تعیین کنند. بنابراین، توافق زوجین و شخص ثالث در خصوص تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه، با این اصل همخوانی دارد.

اصل آزادی قراردادهای: این اصل بیانگر آن است که افراد می‌توانند آزادانه قراردادهایی را منعقد کنند و تعهدات مختلفی را بپذیرند، مشروط بر اینکه مغایر با قانون نباشد. تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه، نقض هیچ قانون الزام‌آوری نیست و بنابراین باید معتبر شناخته شود.

قواعد عمومی تعهدات و قراردادهای: بر اساس این قواعد، هر تعهدی که به طور صحیح منعقد شود و شرایط اساسی صحت قراردادهای را داشته باشد، معتبر است. در مورد تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه، اگر این تعهد به طور صحیح و با رضایت تمامی طرفین منعقد شود، از نظر حقوقی نافذ و معتبر خواهد بود. (مکی عاملی ۱۴۱۲، ص ۱۲۳)

با توجه به اینکه تعهد شخص ثالث نسبت به پرداخت مهریه، امکان دارد، به صورت‌ها مختلف باشد، صورت‌های مختلف آن را در مطالب ذیل ذکر می‌کنیم:

۲- صورت‌های تعهد شخص ثالث

شرط معانی مختلفی دارد، از جمله «التزام و الزام در عقد بیع و مانند آن» (انصاری، ج ۲، ص ۳۸۹) و اگر از باب عموم بخواهیم بگوییم: «المؤمنون عند شروطهم» هست» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۵۳)

متعهد بودن شخص ثالث برای پرداخت مهریه می‌تواند به عنوان شرط ضمن عقد ذکر شده باشد یا ذکر نشده باشد.



۱/۲ شرط مذکور در ضمن عقد با توجه به تعهد شخص ثالث

شرط ضمن عقد یکی از ابزارهای کلیدی در احترام به حاکمیت اراده طرفین قرارداد است و نقش مهمی در تنظیم و شکل‌دهی به قراردادها ایفا می‌کند که در رویه قضایی هم قابل بررسی و استناد است.

این ابزار به طرفین این امکان را می‌دهد که با افزودن قیود و شروط جدید، عقد را مطابق با خواسته‌ها و نیازهای خاص خود تنظیم کنند. به این ترتیب، طرفین قادر خواهند بود شرایط خاصی را به قرارداد اضافه کنند که به آن‌ها این اجازه را می‌دهد تا فراتر از قوانین تکمیلی و اصول کلی، به توافقاتی دست یابند که به‌طور خاص برای آن‌ها مناسب و مطلوب است.

علاوه بر این، شرط ضمن عقد به طرفین این امکان را می‌دهد که توافقاتی را برای تحقق شرطی خاص و وابسته به عقد دیگر تنظیم کنند. به عبارت دیگر، اگر طرفین مایل به پذیرش تعهدات مستقل نباشند و بخواهند اجرای قرارداد به تحقق شرط خاصی که وابسته به عقد دیگری است، مشروط گردد، می‌توانند این نوع قرارداد را ضمن عقد اصلی قرار دهند. این ویژگی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که قراردادها را به صورت انعطاف‌پذیر و بر اساس شرایط ویژه‌ای که خود تعیین می‌کنند، اجرا نمایند.

به‌طور کلی، شرط ضمن عقد موجب افزایش انعطاف‌پذیری و کارایی قراردادها می‌شود و به طرفین این فرصت را می‌دهد که با در نظر گرفتن شرایط و محدودیت‌های خاص خود، به توافقاتی دست یابند که به طور مستقیم بر تعهدات و حقوق آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این فرآیند به حفظ اصول حاکمیت اراده و احترام به خواست و نیازهای طرفین کمک می‌کند و امکان تنظیم دقیق و سازگار با شرایط خاص را فراهم می‌آورد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰)

۲/۲ تعهد شخص ثالث به صورت عقد

تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه می‌تواند به صورت یک عقد مستقل نیز واقع شود. این تعهد ممکن است در قالب عقد ضمان یا حواله شکل بگیرد که یکی از روش های رویه قضایی برای تعهد شخص ثالث است.

در این زمینه، شخص ثالث می‌تواند با انعقاد یک قرارداد مشخص، مسئولیت پرداخت مهریه‌ای را که به عهده زوج است، بر عهده گیرد. به این ترتیب، در صورتی که شخص ثالث در برابر زوج بری‌الذمه باشد، این تعهد به عنوان یک عقد مستقل و معتبر به حساب می‌آید.

به عبارت دیگر، اگر شخص ثالث، به طور رسمی و قانونی مسئولیت پرداخت مهریه را بر عهده بگیرد، و در برابر زوج از هرگونه تعهد دیگری مبرا باشد، این تعهد از مصادیق واضح و معتبر عقد محسوب می‌شود. این بدین معناست که تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه در قالب یک عقد مستقل، از نظر حقوقی و عملی دارای اعتبار و اثر قانونی است.

در مواردی دیگر، اگر شخص ثالث به طور مشخص در برابر زوج مشغول‌الذمه باشد (یعنی تعهدات و بدهی‌هایی به زوج داشته باشد)، زوج می‌تواند همسر خود را به پرداخت مهریه به او حواله دهد. در چنین حالتی، اگر زن این حواله را بپذیرد، عقد حواله به وجود می‌آید. این عقد حواله موجب می‌شود که شخص ثالث به عنوان پرداخت کننده مهریه شناخته شود و مسئولیت پرداخت آن را به عهده گیرد، در حالی که زوج از این تعهد بری‌الذمه می‌شود.

۳- آثار تعهد شخص ثالث

صور مختلفی برای شخص ثالث در ضمانت مهریه وجود دارد که به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱- ضمانت مهریه قبل از عقد نکاح

قبل از برقراری عقد ازدواج، شوهر هیچ گونه تعهد قانونی نسبت به پرداخت مهریه ندارد. بر همین اساس، همان طور که در موارد مشابه اشاره شده است، اگر شخصی که به موجب عقد

ضمان یا هر قرارداد دیگری مسئول پرداخت مهریه است، در وضعیت پرداخت به خصوصی (یعنی ذمه‌اش مشغول به تعهدات دیگر نباشد)، انجام این نوع ضمانت به طور کلی بی‌معنا و بی‌فایده خواهد بود. علت این امر آن است که تأثیر اصلی عقد، که بر اساس آن تشریع شده است، به دلیل عدم تحقق شرایط لازم، امکان‌پذیر نمی‌شود و در نتیجه، چنین ضمانتی از نظر عملی و حقوقی به کار نمی‌آید. (جبعی عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۲)

تصور کنید فردی به دیگری می‌گوید که «ذمه‌ات را بری کردم»، در حالی که آن شخص در واقع مدیون یا بدهکار نیست. در چنین حالتی، عملی که به عنوان ابرا (بخشودگی یا رفع تعهد) انجام شده است، عملاً هیچ اثر قانونی نخواهد داشت. علت این امر آن است که ابرا به طور اصولی به منظور رفع یا سقوط دین و بدهی موجود صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، برای اینکه ابرا به عنوان وسیله‌ای برای سقوط دین و آزادسازی بدهی عمل کند، باید ابتدا دینی واقعی و موجود وجود داشته باشد که ابرا بر آن صورت گیرد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۷۹)

۲- ضمانت مهریه بعد از عقد

مهریه به محض وقوع عقد ازدواج به مالکیت زن در می‌آید، هرچند که از نظر حقوقی، این مالکیت به دو بخش تقسیم می‌شود:

نیمی از مهر به طور مستقر و قطعی به زن تعلق می‌گیرد، (اباذری فومشی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵) در حالی که نیمی دیگر ممکن است از نظر حقوقی ناپایدار (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹) و به صورت موقت در ذمه زن باقی بماند.

در چنین شرایطی، اگر پرداخت مهریه به عهده شخص ثالثی در قالب عقد ضمان قرار گیرد، این اقدام از نظر شرعی و قانونی هیچ‌گونه اشکالی ندارد. به عبارت دیگر، شخص ثالث می‌تواند به عنوان ضامن پرداخت مهریه، تعهدات مالی را که به طور قانونی بر عهده زوج است، بر عهده بگیرد و پرداخت کند.

لذا با توجه به این تعهد، ذمه زوج از پرداخت مهریه بری می شود و مسئولیت پرداخت آن به طور قانونی به عهده شخص ثالث (ضامن) منتقل می شود. به این ترتیب، ذمه ضامن به طور کامل مشغول و مسئول پرداخت مهریه خواهد بود، در حالی که ذمه زوج از این تعهد آزاد و بری می شود. این ترتیبات حقوقی نه تنها در راستای حفظ حقوق زوج و تأمین مالی او به طور مؤثر عمل می کند، بلکه به طور همزمان سازگاری و انطباق کامل با اصول شرعی و قانونی را نیز تضمین می نماید.

۳- ضمانت مهریه بعد از انحلال عقد

اینکه آیا شخص ثالث در شرایط خاص انحلال عقد ازدواج همچنان مسئول پرداخت مهریه است یا خیر، نیازمند بررسی دقیق قراردادهای مربوطه و قوانین جاری است. بررسی دقیق این مطلب می تواند برای تعیین میزان مسئولیت و تعهدات شخص ثالث کمک کند و به روشن شدن وضعیت حقوقی زوج در شرایط انحلال عقد بپردازد.

۴- انحلال عقد

انحلال عقد ازدواج می تواند به دلایل و شیوه های مختلفی صورت گیرد. این دلایل شامل طلاق، فوت، فسخ و بطلان عقد می باشد که هر کدام از آنها شرایط و آثار حقوقی خاص خود را دارند.

۵- انواع انحلال عقد ازدواج

۱/۳ طلاق: طلاق یکی از شایع ترین روش های انحلال عقد ازدواج است که به درخواست یکی از زوجین و پس از طی مراحل قانونی انجام می شود. طلاق می تواند به صورت رجعی یا بائن باشد و ممکن است به صورت توافقی یا به درخواست یکی از طرفین صورت گیرد.

این روش امکان پایان دادن به زندگی مشترک را فراهم می‌آورد و شرایطی را برای هر دو طرف برای شروع دوباره زندگی فراهم می‌کند.

۲/۳ فوت: فوت یکی از زوجین به صورت خودبخودی منجر به انحلال عقد ازدواج می‌شود. در این حالت، ادامه عقد ازدواج از لحاظ منطقی و حقوقی امکان‌پذیر نیست و به‌طور طبیعی این پیوند پایان می‌یابد. این نوع انحلال، اثری از تصمیم‌گیری یا درخواست از سوی طرفین ندارد و به دلیل وقوع حادثه فوت، عقد منحل می‌شود.

حقوقدانان بر این عقیده هستند که فوت با طلاق قابل مقایسه نیست، به این صورت که اگر زوج یا زوجه قبل از نزدیکی بمیرند، زوجه مستحق تمام مهر است، زیرا با توجه به مفاد قانون مدنی ۱۰۸۲ زن بعد از اینکه عقد کرد، مالک مهر المسمی می‌شود، اما با توجه به حکم ۱۰۹۲ قانون مدنی در مورد برگرداندن نصف از مهریه در صورت طلاق و پیش از نزدیکی اشاره شده است، لذا زمانی که شوهر بعد از عقد و پیش از نزدیکی بمیرد، زن مستحق تمام مهر المسمی است و اگر زن نیز قبل از نزدیکی بمیرد، مهریه در زمره ترکه اوست و ورثه زن حق دارند آن را از شوهر مطالبه کنند (امامی، ۱۳۸۹، ۴۸۳).

۳/۳ فسخ و بطلان: فسخ و بطلان عقد ازدواج به دلایل قانونی یا شرعی خاصی انجام می‌شود. این دلایل می‌توانند شامل وجود عیوب یا مشکلاتی در یکی از زوجین باشند که زندگی مشترک را غیرممکن یا بسیار دشوار می‌سازند. فسخ معمولاً به درخواست یکی از طرفین و با تأیید مراجع قانونی یا قضایی صورت می‌گیرد و به معنای پایان قانونی و فوری عقد ازدواج است.

فسخ نکاح، عملی است که به‌وسیله خیار فسخ نکاح توسط یکی از زوجین انجام می‌شود و تابع قواعد و مقررات خاصی است که با احکام خیارات در معاملات و قراردادهای مالی تفاوت دارد. در این زمینه، فسخ نکاح می‌تواند به دو دلیل اصلی صورت گیرد: تخلف از شرط یا وصف (طبق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی) و وجود عیوب (طبق ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی). در هر یک از این



موارد، امکان دارد که فسخ نکاح به درخواست زوج یا زوجه انجام شود و این فرآیند ممکن است قبل یا بعد از نزدیکی (عمل جنسی) واقع شود. (نجفی ۱۴۰۴، ۱۱۴)

در خصوص احکام مهریه در زمان فسخ نکاح، بین دو حالت عمده، یعنی وقوع نزدیکی و عدم آن، تفاوت‌هایی از نظر فقهی و حقوقی وجود دارد. اگر فسخ نکاح پیش از نزدیکی انجام گیرد، اکثر فقها بر این باورند که زن مستحق مهریه نخواهد بود، به جز در مواردی خاص. یکی از این موارد استثنایی، فسخ نکاح به دلیل ناتوانی جنسی زوج (عنن) است. در این حالت، با وجود فسخ نکاح، زوجه مستحق نصف مهریه خواهد بود، حتی اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد.

طبق ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی، نظر حقوق‌دانان نیز هم‌راستا با این دیدگاه است که در صورت فسخ نکاح پیش از نزدیکی، زن معمولاً مستحق مهریه نخواهد بود، مگر اینکه فسخ به دلیل ناتوانی جنسی زوج صورت گرفته باشد. در این صورت، و با وجود فسخ نکاح، زوجه حق دریافت نصف مهر را خواهد داشت. این تفاوت در احکام، بر اساس حفظ حقوق و تأمین عدالت برای طرفین عقد ازدواج، به‌ویژه در موارد خاص و پیچیده، طراحی شده است. (نجفی، پیشین، ۳۴۷)

نتیجه

تحلیل حقوقی وضعیت مهریه با فرض مال غیر یا تعهد شخص ثالث در رویه قضایی، ابعاد متنوع و پیچیده‌ای از موضوعات حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهد که به‌ویژه در زمینه تطبیق قواعد حقوقی با وضعیت‌های خاص و شرایط متغیر اهمیت دارد. بر اساس مطالعات انجام‌شده و تحلیل‌های ارائه‌شده در این مقاله، نتایج زیر به دست آمده است:

۱. تعهد شخص ثالث و نقش آن در پرداخت مهریه:

تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه، به‌ویژه در قالب عقد ضمان یا حواله، ابزاری مؤثر برای تأمین حقوق مالی زوجه محسوب می‌شود. این تعهد می‌تواند قبل از عقد ازدواج به‌عنوان شرط ضمن عقد یا به‌طور مستقل پس از عقد نکاح صورت گیرد. در هر دو حالت، تعهد شخص ثالث باید با شرایط قانونی و توافقات طرفین سازگار باشد. از این رو، ضروری است که این نوع تعهدات به‌طور دقیق و شفاف تنظیم شده و از نظر حقوقی قابل اجرا باشند.

۲. تأثیر وضعیت‌های مختلف عقد بر تعهد شخص ثالث:

تعهد قبل از عقد: اگر تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه قبل از عقد ازدواج صورت گیرد، این تعهد از نظر قانونی معتبر است و باید به‌طور دقیق طبق توافقات تنظیم و اجرایی شود. در این حالت، نظارت بر تطابق تعهدات با شرایط قانونی و قراردادی امری ضروری است. تعهد بعد از عقد: در صورتی که تعهد شخص ثالث بعد از عقد نکاح شکل بگیرد، این تعهد به‌طور مستقل از تعهدات زوج در پرداخت مهریه عمل می‌کند و شخص ثالث باید به تعهدات خود به‌طور کامل عمل کند. این نوع تعهد، در صورتی که به‌درستی تنظیم شده باشد، می‌تواند به‌طور مؤثری مسئولیت مالی مهریه را از دوش زوج بردارد.

تعهد بعد از انحلال عقد: در مواقعی که عقد ازدواج به دلیل طلاق، فوت، فسخ یا بطلان منحل می‌شود، وضعیت تعهد شخص ثالث به پرداخت مهریه باید به‌طور دقیق بررسی شود. بر اساس رویه قضایی، اگر تعهد شخص ثالث به‌طور مستقل از عقد نکاح باشد، باید همچنان اجرایی شود، مگر اینکه به‌طور خاص در قرارداد تعهدات خود، شرایطی برای انحلال پیش‌بینی شده باشد.

۳. ضرورت دقت در تنظیم و اجرای تعهدات:

تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته تأکید می‌کند که در تنظیم تعهدات شخص ثالث برای پرداخت مهریه، باید به جزئیات و شرایط قانونی به‌دقت توجه شود. همچنین، نیاز به

مستندسازی دقیق و شفافیت در توافقات بین طرفین اهمیت ویژه‌ای دارد تا از بروز مشکلات حقوقی و اختلافات در آینده جلوگیری شود.

در نتیجه، تعهد شخص ثالث برای پرداخت مهریه، با توجه به جنبه‌های مختلف قانونی و عملی آن، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در تنظیم حقوق مالی و تعهدات زوجه در نظام حقوقی شناخته می‌شود. آگاهی از جزئیات و شرایط اجرایی این تعهدات، به‌ویژه در وضعیت‌های مختلف عقد و پس از انحلال آن، برای حفظ حقوق طرفین و اجرای صحیح قوانین ضروری است.

منابع

- ۱- امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، اسلامیه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران چاپ بیست و یکم.
- ۲- انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب النکاح، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ه، چاپ اول
- ۳- باقری، احمد، بررسی تحلیلی مبانی فقهی قانون مدنی، ضمان، حواله، کفالت، تهران، نشر آن، ۱۳۸۲، چاپ اول
- ۴- جعبی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، لبنان- بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا



- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). دوره متوسط حقوق مدنی حقوق خانواده. تهران: گنج دانش. ۱۳۸۶، چاپ چهاردهم
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ ه، چاپ اول
- ۷- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰). تشریح و تطبیق حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران و اسلام. تهران: انتشارات مجد.
- ۸- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵) حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۵، چاپ چهارم
- ۹- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)، اللمعه دمشقیه، قم، دارالفکر، ۱۴۱۲ ه چاپ دوم
- ۱۰- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.